

# بازنگری نوشته ما را کامل می کند

## بازنگری

اکنون وقت انجام مهم ترین بخش نوشتن یعنی بازنگری است. قدر پیش نویس های اولیه یا همان چرک نویس ها را باید دانست. این چرک نویس ها هستند که امکان بازآفرینی متن های قوی را فراهم می کنند. بنابراین ارزش آن ها را باید بدانیم. گاهی ممکن است متن نهایی چیز دیگری شود که با کار اول خیلی متفاوت باشد ولی برای رسیدن به آن باید ابتدا پیش نویس تهیه کرد. هر کس در آغاز کار خود طرح اولیه ای تهیه می کند و بعد به مرور آن را کامل می کند. بدون طرح اولیه امکان ندارد به طرح نهایی رسید. از موارد استثنایی بگذریم که یک طراح با تجربه و مسلط با یک برداشت کار نهایی را ارائه می دهد. در نوشتن نیز، براساس تجربه و دانش، فرد به جایی می رسد که با حداقل زمان به بهترین متن دست می یابد. در این مرحله وی باز هم نیاز به بازنگری دارد.

## بازنگری یعنی فرصت اندیشیدن دوباره به موضوع

بازنگری گشودن دری به امکانات زبانی و فکری پنهان است. یکی شدن با متن است. خروج از تردید در انتخاب و پردازش است. فرصت تفکر مجدد است. تصور کردن جدید و حتی رؤیای پردازی های دوباره. در این مرحله است که فرد یک بار دیگر به موجودی که آفریده (نوشته) نظر می اندازد و کاستی ها و اضافاتش را درمی یابد. درست مثل مادری که کودکش را برای حضور در جشنی آماده می کند. او هر چه کودک اضافه دارد می کاهد و هر چه کم دارد به آن می افزاید تا در یک نظر فرزندش از جمع دلربایی کند. کار نویسنده در مرحله بازنگری دقیقاً همین است.

## بازنگری یعنی نوعی تعمیرکاری

شما را نمی دانم. اما من از درست کردن چیزهای خراب لذت می برم. همیشه هم موفق نبوده ام. اما تعداد دفعاتی که دست به تعمیر زده ام و موفق شده ام بیس از دفعاتی بوده که موفق نشده ام. می گویند بازنگری تعمیر کاری است. منتهی اینجا به جای مواجهه با موادی چون سیب، باتری، پیچ، تخته و ... با واژه، عبارت، جمله، موضوع و پرداخت مواجهیم. در اینجا نیز حس می کنیم واژه ها نگذاشته اند ایده نفس بکشد او را نجات می دهیم. اینجا نیز حس می کنیم موضوع برای پردازش نیاز به آب واژه ها دارد، اضافه می کنیم. خلاصه کاری کنیم که در بازنگری لذت ببریم. لذت خلق و زایش. در این صورت برای آن وقت می گذاریم. وگرنه عذاب الیمی می شود که دوست داریم هر چه زودتر از دست آن خلاص شویم.

## بازنگری یعنی ورز دادن

فراموش نکنیم اینکه می توانیم تایپ کنیم یا قلم دست بگیریم

## سیدحسین حسینی نژاد

مدیر مسئول ماهنامه انشا و نویسندگی

و بنویسیم، معنایش این نیست که هر چه نوشته ایم کامل است و بی نقص. معنایش این است که ما نسبت به بقیه یک قدم جلوتر هستیم با این فرق که انتظار اطرافیان از ما هم بیشتر از کسی است که این توانایی اولیه یعنی نوشتن و تایپ کردن را ندارد. آنچه کار ما را شاخص و ارزشمند می سازد بازنگری است که گاه به بازنویسی هم منجر می شود. این مرحله جایی است که نوشته ورزیده می شود، شکل می گیرد و کم کم آماده انتشار می شود. اگر در مرحله تهیه پیش نویس، نویسنده با سرعت و بدون دخالت مغز شروع به نوشتن می کند، اینجا عقل او رشته کار را در دست می گیرد تا بدون عجله متن را کالبدشکافی کند. در اینجا نویسنده خود منتقدی می شود که گویا دارد متن فرد غریبه ای را می خواند و به او گفته اند تلاش کن تا هر چه بیشتر معایب نوشته را بیایی.

## بازنگری افزودن نقطه و ویرگول نیست

برخی تصور می کنند که منظور از بازنگری افزودن و کاستن نقطه ویرگول است، با همه اهمیتی که این کار دارد در موقع بازنگری این ها مدنظر نیستند. دقت در علائم نگارشی پس از آنکه کار بازنگری تمام شد، آغاز می شود. یعنی در مرحله ویرایش مقدماتی. در این مرحله است که می کوشیم املائی کلمات را درست کنیم. از نظر دستوری به نوشته نگاه کنیم. نقطه و نقطه ویرگول و ویرگول را در جای خودش قرار دهیم. اگر جایی از چند علامت سؤال و تعجب استفاده کرده ایم آن ها را حذف می کنیم و تنها از یک علامت سؤال یا یک علامت تعجب بهره می گیریم. علامت های سؤال و تعجب اضافی نوعی بی احترامی به خواننده است. در واقع با این کار به او می گوییم چون تو متوجه اهمیت کار نمی شوی من به کمک این علائم می خواهم آن را به تو یادآوری کنم. علائم نگارشی مثل چوب یا عصای زیر بغل هستند. هر چه تعداد آن ها بیشتر شود مثل آدمی که با چند عصا راه برود، زشت تر است. پس از بازنگری نوبت به ویرایش مقدماتی می رسد.

## معیارهایی برای بازنگری

برای آنکه از کلی گویی درباره بازنگری دور شویم و بتوانیم کار را پی بگیریم پیشنهادهای زیر می تواند راهگشا باشد. با این توضیح که در هر نوشته ای برخی از این موارد جواب می دهد. نکته مهم تر این که این ها به مرور در ما نهادینه می شوند و حتی موقع تهیه پیش نویس هم به برخی مواردش توجه می یابیم:

۱. آیا متن کامل است؟
۲. چیزی اضافه دارد؟
۳. چیزی کم دارد؟
۴. لازم است مثالی اضافه کنم تا مطلب روان تر شود؟
۵. انسجام نوشته ام خوب است؟ در کجا این انسجام وجود ندارد؟

## ویرایش

منظور از ویرایش در اینجا کار تخصصی و حرفه ای روی متن نیست. اگر متنی نیاز به ویرایش جدی داشته باشد ویراستار به بهترین نحو از عهده آن برمی آید. در اینجا منظور کارهای ساده ای است که از عهده همه ما برمی آید:

۱. توجه به املائی نوشته. هیچ چیز به اندازه غلط املائی ارزش نویسنده را نزد خواننده پایین نمی آورد. بنابراین در این مرحله بکوشید که هیچ غلط املائی در نوشته تان نباشد. برای احتیاط متن را بدهید به دوست و همکاری بخواند تا اگر چیزی از چشم شما دور مانده است او یادآوری کند.

۲. از نظر زمانی جمله ها را یک دست کنید. جمله ای در زمان گذشته نباشد و جمله دیگر در زمان آینده. بین اجزای فعل مرکب فاصله نباشد.

۳. در استفاده از علائم نگارشی زیاده روی نکنید. کافی است نقطه را در جایی که جمله تمام می شود به کار گیریم. علامت تعجب را در جمله تعجبی و علامت سؤال را در جمله سؤالی استفاده کنید. این سه علامت بیشترین کاربرد را در نوشته ها دارد. از علامت تعجب و سؤال توأم با هم و نیز دو یا سه علامت تعجب با هم استفاده نکنید.

۴. نیم فاصله را رعایت کنید. امروزه با دیدن یک متن به سرعت می توان دریافت که نویسنده در کارش دقت دارد یا خیر. مثلاً کسی که می نویسد: «به خانه می روم. کتاب هایم را بر می دارم. شیرینی ای از روی میز بر می دارم»، به راحتی می شود قضاوت کرد که به نیم فاصله دقت نکرده است و گرنه می نوشت: «به خانه می روم. کتاب هایم را بر می دارم. شیرینی ای از روی میز بر می دارم.»

## نتیجه

وقتی کار بازنویسی همراه ویرایش به پایان رسید نوبت به انتشار آن می رسد. می توانیم ابتدا آن را برای یکی از دوستانمان بفرستیم و از او بخواهیم بازخوردی به کارمان بدهد و اگر نکته ای در بازخورد او بود در نوشته مان اعمال کنیم. قبل از آنکه مطلب مان را در سطح وسیع منتشر کنیم در گروه های دو سه نفره بفرستیم و ببینیم چه تغییراتی باید در متن اصلی بدهیم. پس از آن نوبت انتشار در گروه های بزرگ تر و نشریات می رسد. در این مرحله به قوت بیشتری در کارمان رسیده ایم و می توانیم آن را با خیال راحت تر منتشر کنیم. فراموش نکنیم که هدف از تولید یک نوشته خواننده شدن است. هر اندازه دایره مخاطبانمان را گسترده تر کنیم برای نوشتن متن های جدید علاقه مندتر می شویم. این مرحله را فراموش نکنیم و برای بهبود نوشتار خود از آن بهره بگیریم. این ها که برشمردیم یکی از صدها راهی است که برای نوشتن وجود دارد. چنانچه این مسیر ملکه ذهن ما شود و به مرور خودمان را به آن عادت دهیم و این عادت را در دانش آموزانمان نیز ایجاد کنیم، شاهد نوشته های وزین، مؤثر و مفید خواهیم بود. ان شاء الله.

۶. واژه ها مناسب هستند؟
۷. واژه ها تکراری هستند؟ کدام واژه؟
۸. واژه ها دقیق هستند یا مبهم؟
۹. واژه ها در جای خودشان استفاده شده اند؟
۱۰. ترکیبات تازه هستند یا تکراری؟
۱۱. جمله ها پیوستگی دارند؟
۱۲. جمله ها کوتاه هستند یا بلند؟
۱۳. کدام جمله زائد است؟
۱۴. در نوشته ام قضاوت وجود دارد یا بی طرفانه نوشته ام؟
۱۵. موضوع نوشته را خوب نشان داده ام؟
۱۶. شعاری نوشته ام یا نه؟
۱۷. چگونه شعارهایم را رفع کنم؟
۱۸. ذهنی نوشته ام یا عینی؟
۱۹. شروع نوشته ام خوب است؟
۲۰. پایانش مناسب است؟
۲۱. مقدمه مرتبیطی نوشته ام؟
۲۲. بدنه به اندازه پرورده شده است؟
۲۳. تکیه کلام در متن دارم؟
۲۴. اطلاعات در سراسر متن پخش هستند؟
۲۵. آیا نوشته خواننده را متقاعد می کند؟
۲۶. آیا روشن است که از خواننده چه انتظاری دارم؟
۲۷. کجای متن ابهام دارد؟
۲۸. چگونه می شود آن را رفع کرد؟
۲۹. کلمات عامیانه در متن وجود دارد؟
۳۰. کلمات قدیمی در متن هست؟
۳۱. لغات و عبارات غیر ضرور در متن دیده می شود؟
۳۲. آیا نوشته بر روی موضوع اصلی متمرکز است؟
۳۳. آیا بندها به هم مرتبط هستند؟
۳۴. آیا جمله های بند در ارتباط هم اند؟
۳۵. جمله های نوشته ام معلوم اند یا مجهول؟
۳۶. آیا بندها کوتاه هستند؟
۳۷. ...

این فهرست می تواند تا ده ها مورد دیگر ادامه یابد. اکنون نوبت بازنویسی می رسد. همیشه به این بیندیشیم که متن را برای باسوادترین فرد و نکته بین ترینشان بازنویسی می کنیم. بکوشیم هر بخشی را که فکر می کنیم ایراد دارد رفع کنیم. اگر جایی از متن به دلمان ننشسته است مطمئن باشیم به دل خواننده هم نمی نشیند. پس هیچ عجله ای برای انتشار متن قبل از بازنگری کامل نداشته باشیم. وجود یک کلمه اضافه و نامناسب به متن و به دنبال آن به نویسنده آسیب می رساند. همیشه بازخورد خوب به نوشته موجب بهتر نوشتن ما می شود. برعکس یک ایراد گاهی مدت ها نوشتن ما را به تعویق می اندازد. پس بکوشیم بی نقص بنویسیم تا بازخوردهای خوب بگیریم و به دنبالش نوشته های بهتری ارائه دهیم.